



ریشه های فکری جریان های تکفیری/ جهالت علت اصلی رشد تکفیری هاست

رئیس پژوهشکده حج و زیارت گفت: تکفیری ها در طول تاریخ نشان داده اند که مقابله فکری را بر نمی تابند، یعنی آنچنان دگم و بسته و بنیادگرا هستند که عملاً امکان هرگونه تعامل فکری و علمی را بسته اند.

رئیس پژوهشکده حج و زیارت گفت: تکفیری ها در طول تاریخ نشان داده اند که مقابله فکری را بر نمی تابند، یعنی آنچنان دگم و بسته و بنیادگرا هستند که عملاً امکان هرگونه تعامل فکری و علمی را بسته اند.

حجت الاسلام سید مهدی علیزاده موسوی رئیس پژوهشکده حج و زیارت در گفتگو با خبرنگار مهر درباره جریان نو سلفی گری در جهان اسلام اظهار داشت: نو سلفی گری محل تلاقی دو اندیشه اصلاحی در اندیشه وهابی و اندیشه سید قطب در مصر است. هنگامی که بعد از اعدام سید قطب، برادرش محمد قطب وارد عربستان می شود، وی حامل اندیشه های الحادی سید قطب است. به این معنا که در اندیشه سید قطب آن نقطه دال مرکزی گفتمان سید قطب بحث توحید در حاکمیت است.

رئیس پژوهشکده حج و زیارت ادامه داد: انسانها باید تلاش کنند تا در جامعه حکومتی بر مبنای خلیفه الهی ایجاد کنند و بر همین اساس مقابله با طاغوت ها و جباران به عنوان یکی از اصول اساسی اندیشه های سید قطب مطرح شد و مطرح بود. بنابراین هنگامی که برادرش محمد قطب پس از اعدام وی به عربستان مهاجرت کرد؛ ساختار موجود و ساختار حکومتی در عربستان یک ساختار کاملاً طاغوتی بود.

این دکترای علوم سیاسی تصریح کرد: آل سعود حاکمیتی بر آنجا داشتند و بر جان و مال و دین مردم حکومت می کردند. خودشان کاملاً ویژگی های یک طاغوت کامل را داشتند به همین خاطر ما نگاه می کنیم که وقتی محمد قطب وارد عربستان می شود اولین حرفی که می زند این است که این نوع از حکومت، حکومت جباران و طاغوت است و توحیدی که در عربستان دارد تبلیغ می شود توحیدی بر مبنای توحید قبور است. یعنی توحید قبرها، اینها به جای اینکه با قصرها مخالفت کنند و بنای اصلی شان توحید قصوری باشد توحید قبوری دارند و با صاحبان قبرها مقابله می کنند.

حجت الاسلام علیزاده موسوی ادامه داد: اینکه این افراد می روند قبرها را خراب می کنند این مسئله هیچ فایده ای برای حال مسلمانان ندارد. مسلمانان باید دنبال این باشند که صاحبان قصرها را پایین بکشند؛ محمد قطب وقتی وارد عربستان می شود چون دولت عربستان آل سعود، آن زمان رقابتی با دولت مصر داشتند مشاهده می کنیم که این حالت موجب می شود که محمد قطب را به عربستان دعوت می کنند و در عربستان هم ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه ام القری می شود. در دانشگاه و مراکز درسی که محمد قطب دارد یک سنخ از شاگردان را تربیت می کند که دو گرایش مهم از دل این تربیت خارج می شود.

وی افزود: گرایش اول که امروز شاهد آن در عربستان و عراق و مناطق دیگر هستیم کاملاً فعال است؛ آن گرایش تکفیری جهادی است. یعنی از یک طرف اندیشه جهاد از مصر وارد شد و اندیشه وهابیت حامل تکفیر بود اینها با هم تلاقی پیدا کرد و در حقیقت آمد در پاکستان و افغانستان و الجزایر و عراق و مناطق دیگر همین جریان تکفیری را به وجود آورد.

این محقق و استاد حوزه و دانشگاه افزود: امروز ما شاهد آن هستیم القاعده در خود عراق یا نیروهایی که از عربستان در سوریه علیه دولت دمشق می جنگند ما حصل این عقیده اند. اما به موازات این اندیشه، بر اساس اندیشه های سید قطب، اندیشه دیگری شکل گرفت که اینها هم قائل به نقد اندیشه های حاکم بودند و مقابله با حکام جور کردند، اما ویژگی شان این بود که گرایش تکفیری نداشتند که بیايند سایر مسلمانان را تکفیر کنند و بگویند شماها کافر هستید. اینها دقیقاً افرادی بودند که باید در دل نظام نقد کرد و از طرفی عقل را وارد اندیشه وهابی کردند و عقل گرا شدند و حتی اینها کمیتة ای به نام «دفاع از حقوق مشروع» تشکیل دادند. قائل به این بودند که حقوق مدنی باید در جامعه رشد کند و باید به شدت به دنبال این باشیم که حکومت، حکومت مشروطه شده از یکطرف در نقد حکومت متأثر از اندیشه های سید قطب بودند؛ و از یک طرف علمای فرهیخته و دانشمندانی بودند متأثر از فضای مدرن که دولت مطلقه و توتالیتار را بر نمی تافتند.

وی افزود: چنین دولتی را نقد می کردند و همینطور که عرض کردم اینها آمدند و همین اندیشه را هم به وجود آوردند. اوج ریشه این دو اندیشه هنگامی است که در زمان حمله آمریکا به عراق در جنگ اول خلیج فارس؛ وقتی که پایگاه نظامی آمریکا در عربستان ایجاد شد، بین علمای وهابی و نوسلفی ها اختلاف افتاد که چگونه در سرزمین مقدس اسلامی آمریکا پایگاه نظامی زده است و از این پایگاه به کشور اسلامی دیگر حمله می کند و کشت و کشتار می کند؟ بسیاری از اینها با دولت مقابله کردند و در مقابل هیئت کبار العلما ایستادند و گفتند که کفار نمی تواند در کشور اسلامی پایگاه بزند. در رأس این گروه نوسلفی سلمان العوده بود که اخراج شد.

این کارشناس مسائل جهان اسلام تصریح کرد: عنوان دیگری که به جریان نوسلفی گری می شود داد تقریباً مترادف هم هستند جریان النحوه در عربستان است. باز با تکفیر متفاوت است. اینها آمدند وهابیت را نقد کردند مثل المظهری، گفتند وهابیت در اینکه سایرین را کافر می داند این اندیشه به درد نمی خورد. یا سلمان العوده سایتی دارد به نام الاسلام الیوم، آنجا یک نگاه جامع تری به مسائل جهان اسلام، شکل داد و دولت هم به شدت به مقابله با اینها پرداخت.

علیزاده موسوی در مورد اینکه نوسلفی گراها چه اثری بر اتحاد مسلمانان دارند هم گفت: اینها در دوران تاریخ خودشان دارای

افت و خیزهای فراوانی بودند. بعضی از چهره‌هایی که نزدیک اینها بودند در دیدگاه کاملاً ضد شیعی غلتیدند و باز همان مسائل افراطی‌گرایی را شکل دادند مانند سفرالحوالی که دیدگاه اینچینی داشت خیلی مواضع تندى علیه شیعه گرفت و بعضی از اینها مثلاً بن جبرین که فتواها را به حجم آثار داد به نوعی ابتدا در جبهه اینها قرار داشت اما در مجموع با عنایت به اینکه اینها عقل‌گرایی را در وهابیت دارند زنده می‌کنند به نوعی ایجاد نظریات جدید و شرایط جدیدی را به نوعی از آن تکفیر کردن از آن اباحه مال و جان و ناموس مردم دست برداشتن بیرون آمدند. خود این مسئله نوید بخش تعامل بیشتر با گرایش‌های معتدل‌تر وهابیت است. یعنی این مسئله نشان می‌دهد که امکان این است که با بعضی از گرایش‌های معتدل‌تر به صورت منطقی و علمی، علما وارد بحث شوند و شرایط را فراهم کنند مضافاً به اینکه خودش دامن به (تا حدودی) اعتدال در جهان اسلام می‌زند.

این نویسنده و پژوهشگر در مورد اینکه چگونه می‌توان با افکار نوسلفی‌های تکفیری مقابله فکری کرد هم بیان داشت: بحث این است که خود تکفیری‌ها در طول تاریخ نشان داده که اینها مقابله فکری را بر نمی‌تابند. یعنی آنچنان دگم و بسته و بنیادگرا هستند که عملاً امکان هرگونه تعامل فکری و علمی را بسته اند. امروز شاهد آن هستیم که جریان‌های تکفیری که در عراق و سوریه هستند به هیچ وجه حاضر به گفتگو و اهل تعامل نیستند. کای که باید با اینها کرد این است که هشدار می‌دهیم که برای جهان اسلام داد و ماهیت اینها را برای جهان اسلام کاملاً روشن کرد که اینها افرادی هستند که دیدگاه‌های افراطی و کاملاً تندی دارند و خطرشان را برای جهان اسلام روشن شده یعنی با این جنایات که عملاً اینها کردند. اما با آن طیف معتدل‌شان امکان دارد که همایش‌های علمی و گفتگوهای علمی و روابط علمی برقرار کرد و بتوانیم دیدگاه‌ها را از طریق علمی حل کنیم و به نتیجه برسیم.

رئیس پژوهشکده سازمان حج و زیارت در مورد اینکه راهکار و مکانیسم عملی و موثر برای از بین بردن نوسلفی‌های تکفیری چیست هم یادآور شد: اولاً بسیاری از تکفیری‌ها علت تکفیری بودنشان جاهل بودن از این قضیه است. یعنی واقعاً سواد ندارند و جاهل هستند احساسشان این است که سایرین را تکفیر می‌کنند. علمای اسلام همه بالاتفاق انزجار خودشان را از تکفیر اهل قبله اعلام کنند یعنی کسی که شهادتین را گفت نمی‌توان تکفیرش کرد و او را کافر شمرد این مطلب را اعلام کنند. از طرف دیگر آثار و پیامدهای منفی جریان تکفیری را برای جهان اسلام تبیین کنند اگر تکفیر در جهان اسلام نفی و برکنده نشود و دامن گیر شود موجب نا امنی و عدم ثبات امنیت در جامعه اسلامی می‌شود.

این پژوهشگر در پایان سخنان‌ش گفت: نکته بعد این است که علما نقش استعمار در دامن زدن به تکفیر در گروه‌های تکفیری را کاملاً تبیین کنند. در واقع این پروژه ای است که توسط غرب شروع شده به عنوان اسلام علیه اسلام و دارد از خود اسلام برای از بین بردن اسلام استفاده می‌کند، باید این توطئه تبیین شود علما نقش بسزایی در مقابله با تکفیر در جهان اسلام خواهند داشت.